

مقاله پژوهشی

واکاوی نقش مکان ساز منظر سبز بومی در توسعه منظر شهری (مطالعه موردی: شهر رودخانه های دز فول، شوش و شوشتر)*

بابک عبدی^{۱*}

زینب رضایی^۲

ریحانه نصرتیان^۳

محمد مهرآبادی^۳

۱. دانشجوی دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکدهگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکدهگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکدهگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

منظر سبز شهری به عنوان بخشی از منظر شهری دارای تأثیرات فراوانی در جنبه های مختلف زندگی شهروندان بوده است و چگونگی توسعه آن اهمیت به سزایی دارد. در برنامه های توسعه معاصر به منظر سبز صرفاً به عنوان پدیده ای تزئینی به منظور تفریح و به مزایای زیست محیطی آن توجه می شود که در رویکرد توسعه پایدار جنبه های اقتصادی و اجتماعی نیز مدنظر است. توسعه فضای سبز معاصر در مجاورت رودخانه های خوزستان موجب تقلیل عملکردهای چندگانه و نقش هویتی رودخانه و منظر سبز به عناصر تفریحی در شهر و در نتیجه جدایی این دو از زندگی روزمره ساکنان شده است. در برنامه های توسعه اخیر نیز اغلب الگویی جامع برای همه شهرها ارائه می شود، این در حالی است که ظرفیت های مکانی و نیازهای ساکنان عاملی تعیین کننده در فرایند توسعه محسوب می شود. شهر رودخانه های خوزستان نیز دارای ویژگی ها و ظرفیت های خاص خود هستند که تعیین کننده سبک منظر سبز براساس نیاز ساکنان در این شهرهاست. بنابراین، شناخت این سبک و ویژگی های آن به منظور توسعه مکان محور ضروری است. این پژوهش با خوانش منظرین به شناسایی این ویژگی ها از طریق مشاهدات میدانی با استفاده از روش اکتشافی و در برخی موارد بررسی اسناد تاریخی پرداخت. نتایج مشاهدات نشان دادند سازماندهی منظر سبز در شهرهای دزفول، شوش و شوشتر به صورت واحه ای به منظور سازگاری با اقلیم، مکان یابی در نقاط مکث و عطف شهر به منظور پیوند با فعالیت های روزمره، انتخاب درختان بومی نخل و کنار (دارای شأن مقدس) به صورت تک کاشت و به طور کلی منظر سبز چندعملکردی است. منظر سبز در پیوند مستمر با زندگی مردم نیازهای ساکنان را برطرف ساخته و براساس ظرفیت های عملکردی، اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و هویتی مکان ایجاد شده است. بنابراین، منظر سبز بومی این شهرها با مؤلفه های مکان ساز خود می تواند نقش اساسی در توسعه مکان محور ایفا کند که نیازمند مورد ملاحظه قرار دادن آن در فرایند توسعه است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

واژگان کلیدی

منظر سبز، توسعه مکان محور، شهر رودخانه، سرزمین خوزستان

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «رویکرد مکان محور در برنامه آمایش سرزمین (مطالعه موردی: نقش سازه های آبی در تعامل رودخانه با شهرهای شوش شوشتر و دزفول)» است که به سرپرستی دکتر «سید امیر منصوری» در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر در سال ۱۴۰۳ انجام شده است.

** نویسنده مسئول: ۰۰۹۳۰۶۸۸۳۳۷۳ babakabdi@ut.ac.ir

This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

مقدمه

شهر رودخانه‌ها از دیرباز، کانون تمدن و توسعه بشری بوده‌اند. شهرهایی که هسته اولیه‌شان در کنار رودخانه‌ها شکل گرفته است، از مزایای بی‌شماری همچون دسترسی به آب آشامیدنی، آبیاری زمین‌های کشاورزی، حمل و نقل آبی و تولید انرژی بهره‌مند شده‌اند و رودخانه عامل دفاعی برای شهر محسوب می‌شده است که شهرهای دزفول، شوش و شوشتر از جمله این شهرها هستند. رودخانه‌ها به‌عنوان شریان‌های حیاتی این شهرها، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری بافت شهری، سبک زندگی مردم و در نهایت هویت شهر داشته‌اند. در گذشته لبه رودخانه‌ها چند عملکردی بودند و نقش‌های مختلفی را در زندگی مردم ایفا می‌کردند، عملکردهای اجتماعی، زیست‌محیطی، تفریحی، هویتی و زیبایی‌شناختی اما امروزه لبه رودخانه‌ها در شهرهای دزفول، شوش و شوشتر با احداث فضای سبز غیربومی به‌صورت پهنه‌ای به فضایی صرفاً تفریحی شبیه به پارک‌های شهری تبدیل شده است. این در حالی است که منظر سبز بومی نزد مردم این شهرها دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و دارای پیوند ناگسستنی با زندگی روزمره آن‌هاست. درخت در اعتقادات و باورهای مردم منطقه صرفاً یک عنصر تزئینی نبوده و دارای شأن و مرتبه بالاتری است. نوع منظر بومی و موقعیت قرارگیری آن در نقاط مختلف این شهرها براساس نیازهای مردم و ظرفیت‌های مکان است. تکرار سبک فضای سبز پارک‌های معاصر در لبه رودخانه‌ها و فضاهای شهری دزفول، شوش و شوشتر بدون توجه به قابلیت‌های مکانی، نه تنها عملکرد منظر سبز بومی بلکه لبه رودخانه‌ها را تغییر داده و نقش این دو عامل حیاتی در زندگی مردم به عملکرد تفریحی تقلیل یافته است. این نوع توسعه پاسخگوی نیازهای مختلف ساکنان و با ویژگی‌های مکان نیز سازگار نیست. واكوی ویژگی‌های منظر سبز بومی و نقش آن در فرایند توسعه می‌تواند تعیین‌کننده سبک توسعه منظر سبز متناسب با شهر رودخانه‌های خوزستان و نیازهای ساکنان باشد.

سوالات پژوهش

- منظر سبز بومی چگونه می‌تواند در فرایند توسعه مکان محور شهر رودخانه‌های خوزستان مؤثر باشد؟
- مزایای بهره‌برداری از منظر سبز بومی به‌صورت واحه‌ای به‌جای فضای سبز پهنه‌ای و تراکم خطی چیست؟
- ابتکار و استراتژی‌های ساکنان شهر رودخانه‌های خوزستان برای ایجاد هماهنگی در محیط زندگی خود با استفاده از منظر سبز شهری چیست؟

روش پژوهش

روش این پژوهش براساس ماهیت آن به‌صورت مشاهده میدانی و اکتشافی است که در برخی از قسمت‌ها اساس تحلیل‌ها مبانی نظری مستخرج‌شده از مطالعات کتابخانه‌ای است. از آنجاکه پیش‌تر ذکر شد ماهیت عینی-ذهنی منظر سبز نیازمند رویکردی است با

استفاده از آن بتوان این پدیده را در همه ابعاد ارزیابی کرد. رویکرد منظرین به شهر، رویکردی کل‌نگر است که عینیت و ذهنیت در آن غیرقابل تفکیک هستند و ادراک و ذهن مخاطب در آن نقش اصلی را ایفا می‌کند (Majidi et al., 2019). در این پژوهش ابتدا از طریق خوانش منظرین نوع سبک و ویژگی‌های منظر سبز شهر رودخانه‌های دزفول، شوش و شوشتر شناسایی شد. سپس تناسب و سازگاری این سبک با ظرفیت‌های مکان و ادراک ساکنین این شهرها از مکان براساس مستندات میدانی جمع‌آوری شده تحلیل شد. این مشاهدات میدانی شامل دو بخش اصلی مؤلفه‌های منظر سبز و استراتژی‌های مبتنی بر منظر است.

معرفی منطقه مورد مطالعه

استان خوزستان، در جنوب غربی ایران واقع شده و یکی از کهن‌ترین مراکز تمدنی ایران و جهان است. این استان به‌دلیل وجود منابع غنی آب و خاک، از دیرباز محل استقرار تمدن‌های بزرگی مانند عیلامیان بوده است. خوزستان همچنین نقش کلیدی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند، چراکه بخش عمده منابع نفت و گاز کشور در این استان قرار دارد.

دزفول در شمال خوزستان و در دامنه‌های زاگرس میانی واقع شده است. این شهر به‌دلیل عبور رودخانه دز و وجود زمین‌های حاصلخیز، مرکز مهمی برای کشاورزی در منطقه محسوب می‌شود. طبق گزارش سازمان هواشناسی ایران (داده‌های هواشناسی ایران، بی.تا)، میانگین دمای حداقل در سردترین ماه سال (دی ماه) حدود هفت درجه سانتی‌گراد و میانگین دمای حداکثر در گرم‌ترین ماه سال (تیر ماه) ۴۳ درجه سانتی‌گراد است. وجود سد دز که یکی از قدیمی‌ترین سدهای مدرن ایران است، به توسعه کشاورزی و مدیریت منابع آبی در این منطقه کمک شایانی کرده است (گزارش بارش و ...، ۱۴۰۲). گونه‌های گیاهی غالب در دزفول شامل نخل و کنار هستند که هر دو با اقلیم گرم این منطقه سازگارند. همچنین، معماری سنتی این شهر شامل شوادان‌ها است که برای مقابله با گرما طراحی شده‌اند.

شهر تاریخی شوشتر یکی از مهم‌ترین شهرهای خوزستان از نظر تاریخی و فرهنگی است. این شهر با سازه‌های آبی تاریخی که در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است، شناخته می‌شود. سیستم‌های آبی شوشتر شامل آسیاب‌ها، کانال‌ها و سدها، نمونه‌ای برجسته از مهندسی آبی در دوران باستان است. اقلیم شوشتر گرم‌مرطوب است و در فصول پاییز و زمستان، آب‌وهوای مطبوعی دارد که این دوره‌ها را برای فعالیت‌های گردشگری ایده‌آل می‌کند. شوش یکی از قدیمی‌ترین سکونتگاه‌های شناخته‌شده در ایران است و پیشینه‌ای چندین هزارساله دارد. این شهر در نزدیکی رودخانه کرخه قرار دارد که منابع آبی مناسبی برای کشاورزی و سکونت فراهم می‌کند. زیگورات چغازنبیل، یکی از مهم‌ترین آثار باستانی ایران که در نزدیکی شوش قرار دارد، نشانگر اهمیت تاریخی این منطقه است. اقلیم شوش گرم‌وخشک و میانگین بارندگی سالانه آن کم است (داده‌های هواشناسی ایران، بی.تا).

مبانی نظری

• مکان، منظر و منظر شهری

مکان، فضایی است که برای فرد یا افراد، دارای معنا باشد (Moazzeni Khorasgani & Haghghatbin, 2023). درک انسان از مکان، هم به ویژگی‌های فیزیکی آن و هم به تجربه‌ای که او از آن مکان به دست می‌آورد، وابسته است. ترکیب «فضا و درک انسان از فضا» ماهیت مکان را می‌سازد (منصوری، ۱۳۸۹). از مؤلفه‌های سازنده مکان، «کالبد، فعالیت‌ها و معانی» است که لایه‌های عینی و ذهنی مکان را تشکیل می‌دهند (Moazzeni Khorasgani & Haghghatbin, 2023). منظر نوعی از مکان است (منصوری، ۱۳۸۹). منظر ماهیتی مکان‌محور و برآمده از تجربه انسانی در فضا و پدیده‌ای است عینی-ذهنی، پویا و نسبی که در تعامل با تاریخ و طبیعت شکل می‌گیرد (Mansouri, 2005). منظر می‌تواند روایتگر تجربه انسان از مکان باشد و از این‌رو، ارتباط مستقیمی با حس مکان و تداوم آن دارد (Moazzeni Khorasgani & Haghghatbin, 2023). شهر نیز نوعی از مکان است. شهر، محصول بعد اجتماعی انسان و پیشرفت مفاهیم اساسی در ذهن اوست (منصوری، ۱۳۸۹). شهر، فضایی است که انسان در آن ساکن می‌شود و عناصر مادی و معنوی زندگی در آن جای می‌گیرد. این فضا، بستری است که انسان در آن ادراکات خود از جهان را تجربه می‌کند (Atashinbar, 2009). شهر، ابرمتنی است که صورت تجسمی و بافتی از نشانه‌های تصویری حامل معنا دارد (Majidi et al., 2019). از آنجاکه شهر تجسم روح جمعی شهر و شهروندان است، نمی‌توان کالبد آن را از ابعاد معنایی‌اش که به نوعی هم‌زیستی یکپارچه دارند، جدا کرد. (Noroozitalab, 2010). شهر پدیده‌ای منظرین است؛ سیال در میان مفاهیم و فیزیک و محصول ادراک انسان‌ها از محیط زندگی خود، منظر شهر نیز نوعی از منظر و مقوله‌ای از جنس کیفیت (معنا) است که به واسطه عناصر کمی (کالبد) به ظهور می‌رسد (Majidi et al., 2019). به عبارت دیگر، منظر شهری در ابتدا امری عینی است که از طریق کیفیت ظهور عوامل فیزیکی شهر شکل می‌گیرد و از طریق کالبد و احساسات درک می‌شود و با گذر زمان و تکرار، به عنصری مشترک (ذهنی) تبدیل می‌شود که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد. بنابراین، آن چه که به منظر شهر معنا می‌بخشد، ذهنیت شهروند است (Atashinbar, 2009). منظر شهری دانش شناخت مفهوم منظر نزد شهروندانی است که در طول تاریخ در آن محیط زیسته‌اند و با کالبد‌های طبیعی و مصنوع محیط ارتباطی معنایی تولید کرده‌اند که در تداوم حیات معقول آن‌ها نقش اساسی دارد (منصوری، ۱۳۸۹).

• منظر سبز شهری و توسعه مکان‌محور

براساس آن‌چه از منظر شهری گفته شد، منظر سبز شهری نیز ترکیبی غیرقابل تفکیک از عناصر کالبدی و معنایی یا عینیت و ذهنیت است. همان‌طور که منظر شهری با رویکرد منظرین بررسی می‌شود، منظر سبز بومی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از منظر شهری،

با خوانش منظرین و با توجه به ویژگی‌های مکان بررسی می‌شود و ارزش‌های زیبایی‌شناختی و هویتی شهرها را تقویت می‌کند. چراکه منظر سبز بومی وابسته به مکان و در توسعه مکان‌محور، توجه اصلی به «مکان» است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که یکی از دلایل اصلی کیفیت پایین فضای سبز معاصر نبود ارتباط میان اجزاء و عناصر فضای سبز با سایر ساختارهای شهر است (Saboonchi et al., 2018). بنابراین، سازماندهی و مکان‌یابی منظر سبز در ساختار شهری در فرایند توسعه به‌طور مستقیم بر کیفیت آن تأثیرگذار است. هر مکان در مقیاس خود دارای مفاهیم و معانی است و اگر قرار است توسعه یابد باید براساس نیازها، ظرفیت‌ها، نقاط ضعف و قوت هر بستر و به‌طور کلی ویژگی‌های آن مکان باشد. توسعه مکان‌محور بر پایه رویکرد منظرین، رویکردی سیستمی و کل‌نگر است که در آن ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر مکان، از جمله به موقعیت جغرافیایی، تاریخچه، فرهنگ و منابع طبیعی در ترکیب با مؤلفه‌های توسعه پایدار، در برنامه‌ریزی و توسعه آن مکان توجه می‌شود. شهررودخانه‌ها به‌عنوان یکی از نموده‌های تعامل میان عناصر طبیعی و ساختارهای انسانی، نقش مهمی در توسعه پایدار شهری ایفا می‌کنند. این شهرها که در امتداد جریان‌های آبی شکل گرفته‌اند، نه تنها از منظر اقتصادی و اجتماعی دارای اهمیت هستند، بلکه به لحاظ زیست‌محیطی نیز ارزشمندند و به‌عنوان شریان‌های حیات‌بخش، امکان پیوند میان فضای طبیعی و محیط شهری را فراهم می‌آورند. رودخانه‌ها ویژگی اصلی هویتی بسیاری از شهرها هستند (Francis, 2012). رودخانه‌های درون شهری اکوسیستم‌های خاص محیطی در درون شهرها هستند که علاوه بر ویژگی‌های برجسته اکولوژیکی، دارای ارزش‌های محیطی، انسانی و اقتصادی هستند و می‌توانند به‌عنوان کریدورهای توسعه محلی بهره‌برداری شوند (Mahmoodi et al., 2013). این توسعه می‌تواند از توسعه پایدار فراتر برود و به توسعه مکان‌محور که براساس ویژگی‌های مکان است، تبدیل شود و به حفاظت از منظر سبز بومی کمک کند. درخت، آب و چهارطاقی این سه‌گانه منظر ایرانی به‌عنوان یک ترکیب طبیعی-فرهنگی، از دیرباز عاملی مکان‌ساز در شکل‌گیری و توسعه سکونتگاه‌های ایرانیان بوده‌اند (Abarghohi Fard, 2019) و از دیرباز به‌عنوان تأمین‌کنندگان نیازهای اقلیمی و کارکردی، نقش برجسته‌ای در بهبود کیفیت زندگی شهری ایفا کرده‌اند. در تاریخ زندگی بشر در اقوام و ملل مختلف گیاهان همواره دارای جایگاه اساطیری و تقدس بوده‌اند که دلایل دینی و مذهبی داشته‌اند و به همین دلیل، همواره عناصر طبیعی به‌ویژه گیاهان در فرهنگ هنر این مردمان مشاهده می‌شوند (Sabouri & Javadi, 2022). در جهان‌بینی مردم ایران باستان، آب علاوه بر اینکه عنصری حیاتی در جنبه‌های مادی زندگی روزمره محسوب می‌شود بلکه عنصری مقدس است که دارای قابلیت معنابخشی به جهان هستی است و مظهر خیر و برکت محسوب می‌شود، بنابراین، در فرهنگ، اعتقادات و آیین‌های ایرانیان حضور مستمر دارد (Mansouri & Javadi, 2019). بنابراین، باتوجه

به اینکه می‌توان گفت در ساختار منظر سبز شهر رودخانه‌های خوزستان نیز درخت و آب دو مؤلفه اصلی محسوب می‌شوند، ارزیابی این دو مؤلفه در فرایند توسعه منظر سبز ضروری است.

مؤلفه‌های منظر سبز

مشاهدات میدانی در شهرهای دزفول، شوش و شوشتر نشان از وجود سه‌گانه منظر ایرانی دارد و منظر سبز به‌مثابه جان‌مایه‌ای برای توسعه شهر به‌عنوان یک عنصر مکان‌ساز عمل می‌کند. وجود امامزاده (چهارطاقی) در نزدیکی درختان چندساله کنار و احتمالاً آب نیز خود دلیلی بر این مدعاست. زیرا در گذشته معمولاً اماکن مذهبی و دارای تقدس در کنار این سه‌گانه ساخته می‌شدند. بنابراین، آب و درخت به‌عنوان مؤلفه‌های منظر سبز در این شهرها ارزیابی شدند. علاوه بر ویژگی‌های زیست‌محیطی بیان‌شده در مطالعات مختلف، وجود درختان در نقاط کلیدی فضای شهری باعث پیوند آن‌ها با فعالیت‌های روزمره مردم می‌شود. این ارتباط می‌تواند شامل زیارت، تعاملات اجتماعی و تفریحات باشد. چنین پیوند پیوسته‌ای منجر به افزایش احترام و تقدس به درختان می‌شود و آن‌ها را به عناصری آیینی و هویت‌بخش در محیط شهری تبدیل می‌کند. افزایش لایه‌های معنایی درختان در منظر سبز شهرها، نه تنها زیبایی این عناصر را در نظر شهروندان تقویت می‌کند، بلکه احساس تعلق به محیط را نیز به وجود می‌آورد. درختانی که به نیازهای ساکنان پاسخ می‌دهند و با ظرفیت‌های مکانی و ادراک آن‌ها از محیط شهری هم‌راستا هستند، به توسعه مکان‌محور کمک می‌کنند. در واقع، ویژگی‌های مکانی هستند که نوع خاصی از منظر سبز شهری را شکل می‌دهند که با نیازهای ساکنان و شرایط محیطی سازگار است. به این ترتیب، درخت و آب به‌عنوان عناصر منظر، علاوه بر ایجاد زیبایی، به تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز کمک می‌کند و ارتباط عمیق‌تری بین ساکنان و محیط زیست‌شان برقرار می‌سازند. از این رو، در نظر گرفتن توان بالقوه عناصر درخت و آب برای تبدیل شدن به عناصری منظرین، در راستای احیا، حفاظت و تقویت ادراک مکان، در توسعه مکان‌محور امری ضروری است.

• رودخانه

رودخانه‌ها به دلیل عملکردهای چندگانه خود در زمینه‌های سازماندهی فضایی شهری، ارتباط با طبیعت، فواید اکولوژیکی، اجتماعی و نقش اساسی در شکل‌گیری خاطرات جمعی ساکنان اهمیت به‌سزایی در منظر شهری دارد. وجود آب برای کاشت درختان، فرصت ارتباط فیزیکی و حسی با طبیعت در لبه رودخانه و مزایای اکولوژیکی آن از عواملی است که موجب شده است فضاهای سبز معاصر به‌طور عمده در کنار محور رودخانه‌ها ایجاد شوند. فضای سبز معاصر به‌صورت پهنه‌ای با کاشت توده‌های گیاهان غیر بومی، از جمله کنوکار کپوس و کهورپاکستانی، در مجاورت رودخانه‌ها با هدف تفریحی ایجاد شده است و دیگر جنبه‌های آن در این نوع توسعه مدنظر نیست. این در حالی است که هم منظر سبز بومی و هم لبه رودخانه هر دو عناصر چندعملکردی و دارای پیوند عمیقی با جنبه‌های مختلف زندگی هستند که هم آب و هم درخت دارای

ریشه عمیق در فرهنگ، آیین و اعتقادات ساکنان این منطقه هستند. در واقع می‌توان گفت با تقلیل منظر سبز به فضای سبز تفریحی و تبدیل لبه رودخانه به محلی سبز صرفاً برای تفریح و تفرج مخدوش کردن نقش مکان‌ساز منظر سبز و رودخانه که محور ادراک شهر محسوب می‌شود، به‌طور همزمان است. این نوع توسعه فضای سبز موجب فراموشی و از بین رفتن درختان بومی اصیل و سبک منظر سبز سازگار با ظرفیت‌های مکان می‌شود. همچنین نقش هویتی، ادراکی، اجتماعی و منظرین لبه رودخانه تضعیف و صرفاً تبدیل به عنصری تزئینی با عملکرد تفریحی در شهر می‌شود (تصویر ۱).

• درخت

انتخاب درختان مورد استفاده در منظر سبز شهر رودخانه‌های سرزمین خوزستان نیز براساس عوامل مکانی شکل گرفته است. ساکنان این سرزمین درختان خاصی که دارای معنای عمیقی در اعتقادات و ذهنیات آنان است را برای این منظور انتخاب کرده‌اند. درخت کنار با قابلیت سایه‌اندازی (با داشتن تراکم شاخه‌هایی که مانع عبور جریان هوا نمی‌شود) و تأمین آسایش اقلیمی برای ساکنانی که در این اقلیم گرم‌وخشک نیازمند چنین آسایشی در زیر آفتاب سوزان هستند، همچنین میوه خوراکی در کنار زیبایی بصری از ویژگی‌هایی است که موجب انتخاب این درخت توسط



تصویر ۱. تبدیل لبه رودخانه به فضایی شبه‌پارک با عملکرد تفریحی و جدایی آن از زندگی شهری، دزفول، عکس: بابک عبدی، ۱۴۰۳.

که «چادرنشینان که مجبور هستند به دنبال گله‌هایشان بروند، آذوقه‌شان را به مقبره مقدس و ابزار کشاورزی‌شان را به درخت می‌سپارند، چون ابزار پس از فصل کشت، تا سال آینده بی‌مصرف می‌ماند». این سپردن ابزار معیشت به درخت نشان‌دهنده تقدس و احترام این درخت در باورها و اعتقادات این مردمان است، به طوری که آنان از محفوظ ماندن اموال خود در نزد درخت مقدس اطمینان دارند. همچنین قرارگیری این درخت در مکان مقدس و همراه شدن با مراسم آیینی و زیارت بر شأن مقدس این درختان می‌افزاید. این همراهی و حضور مستمر این درختان مقدس در اعتقادات و مراسم مذهبی نشان می‌دهد این درختان با هویت ساکنان پیوند خورده‌اند و نقش این درختان در زندگی ساکنان تبدیل به عنصری هویت‌بخش فراتر از صرفاً عنصری طبیعی و گیاهی می‌شود.

استراتژی‌های مبتنی بر منظر

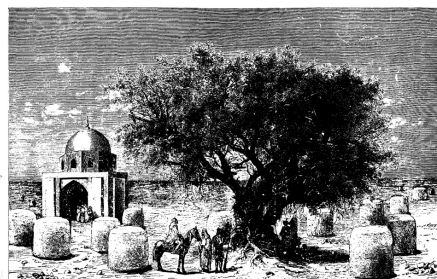
سازماندهی و مکان‌یابی منظر سبز در هر مکان براساس ظرفیت‌های آن و ادراک ساکنان آن شکل می‌گیرد. خوانش منظرین انجام شده توسط نگارندگان از منظر سبز شهر رودخانه‌های سرزمین خوزستان نشان داد در شهرهای دزفول، شوش و شوشتر، سبک تقریباً مشابهی از این نوع منظر سبز در این شهرها دنبال می‌شود که دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد خود است. منشأ این ویژگی‌ها ظرفیت‌های اقلیمی، عملکردی، زیبایی‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی مکان است. ساکنان این شهرها برای رفع نیازهای مختلف جامعه براساس ادراک خود از مکان، منظر سبز شهری را سازماندهی و ایجاد کرده‌اند. ایجاد فضاهای سبز واحه‌ای در نقاط عطف چندعملکردی

ساکنان شهر شده است. درخت نخل نیز همانند کنار با داشتن زیبایی بصری و میوه خوراکی که دارای عملکرد اقتصادی است، از درختان منتخب بومی محسوب می‌شود (تصویر ۲). این درختان نه تنها با اقلیم و آب‌وهوای این سرزمین سازگار هستند و تحمل شرایط نامساعد محیطی همچون خشکی و گرما دارند، بلکه در رفع نیازهای اقتصادی، اجتماعی، زیبایی‌شناختی و رفاهی ساکنان نقش مهمی ایفا می‌کنند. درختانی که از نظر عملکردی بر طرف‌سازنده نیازهای مختلف ساکنان هستند و از نظر هویتی با ذهیت تاریخی آنان داری پیوندی عمیق هستند، در گذر زمان با ایجاد خاطرات جمعی و حضور یافتن در زندگی روزمره مردم شأن احترام و تقدس می‌گیرند و نقش مهمی در ایجاد حس تعلق به مکان ایفا می‌کنند. بنابراین، درختان بومی که ساکنان براساس ظرفیت‌های مکانی و برای رفع نیازهای روزمره خود انتخاب می‌کنند، نقش مهمی در توسعه منظر شهری ایفا می‌کنند که غفلت از آن موجب تقلیل عملکرد منظر سبز شهری به فضای سبز شهری می‌شود.

بررسی اسناد تاریخی نیز تأییدکننده حضور مستمر درختان کنار و نخل در منظر سرزمین خوزستان است. حضور این درختان در جوار اماکن مقدس حاکی از شأن مقدس این درختان در نزد مردم است. در اسکیس‌های سفرنامه مادام ژان دیولافوا (Dieulafoy, 1998) تک‌درختان کنار در دشت که پناهگاهی در برابر آفتاب سوزان محسوب می‌شوند، قابل مشاهده است. همچنین حضور درخت نخل در جوار مقبره دانیال نبی و کنار قدیمی در کنار امامزاده نیز در این اسکیس‌ها قابل مشاهده است (تصویر ۳). در این سفرنامه به این موضوع اشاره شده است



تصویر ۲. کنار و نخل درختان بومی منتخبی که از فضای عمومی تا حیاط خانه‌ها حضور دارند. عکس: بابک عبدی، ۱۴۰۳.



تصویر ۳. حضور تک‌درخت کنار در جوار امامزاده، درخت نخل در جوار مقبره دانیال نبی نشان از شأن مقدس این درختان دارد. مأخذ: Dieulafoy, 1998.

موجب بهبود آسایش اقلیمی و ایجاد حس تعلق به مکانی می شود که متناسب و سازگار با ظرفیت‌های همین مکان ایجاد می شود و در نتیجه به بهبود کیفیت زندگی ساکنان کمک می کند (تصویر ۴). در شهرهایی با چنین اقلیمی، درخت در خاطره جمعی و ذهنیت شهروندان جایگاه ویژه‌ای دارد، چراکه زندگی در طول روز بدون سایه و تهویه مطبوعی که ایجاد می کند، امکان پذیر نیست. لذا این عناصر اهمیت ویژه‌ای در شکل‌گیری تجربه و شناخت شهروندان از منظر سبز شهر خود و فهم عمیق آن‌ها دارند. در بررسی‌های انجام‌شده، تمرکز فضای سبز در شهرهای مورد مطالعه می توان گفت در نقاط مکت محله و واشدگاه‌ها مانند تقاطع محورهای دسترسی محلی، نقاط عطف شهری، مانند امامزاده و مساجد، فضای سبز نقش به‌سزایی ایفا می‌کند (تصویر ۵). آنچه در مطالعات میدانی بررسی شد، نشان می‌دهد این الگو نه تنها به زیبایی بصری شهر کمک کرده‌اند، بلکه به دلیل قرارگیری آن‌ها در محل‌هایی که بستر تعاملات ساکنان هستند با زندگی روزمره و فعالیت‌های اجتماعی افراد نیز پیوند خورده و موجب افزایش حس تعلق خاطر شده‌اند، این درحالی است که فضای سبز معاصر معمولاً به صورت ایزوله و جدا از زندگی روزمره شهروندان و تنها برای یک فعالیت خاص تفریحی طراحی می‌شود و در نقاطی با اهمیت کمتر، نظیر حاشیه

شهر با استفاده از گونه‌های بومی انتخاب‌شده سازگار با ظرفیت‌های مکان ویژگی مشترک منظر سبز شهر رودخانه‌های خوزستان است که تعیین‌کننده این سبک خاص از منظر سبز است. تکرار شیوه و استراتژی ایجاد منظر سبز در این شهرها نشان از مشابهت‌های اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی در این شهرهاست. ابتکار و استراتژی که با خردمندی و هوشمندی ساکنان این سرزمین در ایجاد این سبک، در عین اینکه ظرفیت‌های مکان در ابعاد مختلف را ملاحظه شده است، نیازهای ساکنان را نیز برآورده می‌سازد.

• سازماندهی واحه‌ای سازگار با اقلیم

در اقلیم‌های گرم مانند خوزستان، نگاه به منظر سبز متفاوت است، مشاهدات میدانی نشان می‌دهد توسعه منظر سبز به صورت نقاط متمرکز در قالب واحه‌ها است، این درحالی است که مدل‌های معاصر طراحی فضای سبز به صورت پهنه‌ای (همچون پارک‌های بزرگ) بدون توجه به محدودیت منابع آبی و روش‌های آبیاری پایدار، نظیر آب‌های باران و منابع محلی، خرداقلیم‌ها و گیاهان بومی انجام می‌شود. این منظر سبز واحه‌ای نه تنها با اقلیم سازگار است، بلکه به ظرفیت‌های مکانی نیز توجه دارد. این نوع توسعه منظر سبز با توجه به ساختار آن موجب مصرف بهینه آب با توجه به اقلیم گرم خوزستان، همچنین با همراه شدن با گیاهان بومی با ایجاد سایه



(ب)



(الف)



(د)



(ج)

تصویر ۴. نمونه‌هایی از سازماندهی منظر سبز بومی به صورت واحه‌ای. الف) واحه‌ای سبز در مقابل مقبره دانبال نبی شوش، ب) ساماندهی واحه‌ای در محوطه بقعه شاه رکن‌الدین دزفول، ج) اثر باقی‌مانده از منظر سبز واحه‌ای مسجد جامع شوشتر د) تک درخت کنار نماد سازماندهی واحه‌ای دزفول. عکس: بابک عبدی، ۱۴۰۳.

خیابان‌ها و نقاط عبوری کم‌اهمیت، قرار می‌گیرند. این رویکرد، نه‌تنها از غنای اجتماعی و فرهنگی فضای سبز می‌کاهد، بلکه نیازهای واقعی ساکنان را نیز نادیده می‌گیرد، درحالی که طراحی منظر سبز باید به‌صورت یکپارچه در بطن زندگی محلی قرار گیرد و به نیازهای واقعی جامعه پاسخ دهد و براساس آن شکل گیرد.

نتیجه‌گیری

ظرفیت‌های مکانی شامل ویژگی‌های کالبدی و غیر کالبدی، نیازهای ساکنان و به‌طور کلی ادراک ساکنان از مکان است. شهررودخانه‌های سرزمین خوزستان نیز ظرفیت‌های مکانی خاص خود را دارند که توسعه منظر این شهرها باید براساس این ظرفیت‌ها انجام شود تا فرایند توسعه همزمان هم سازگار با مکان بوده و هم برطرف‌سازنده نیازهای ساکنان در ابعاد مختلف باشد. منظر سبز شهری به‌عنوان بخشی از منظر در این شهررودخانه‌ها دارای ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فرد خود است که براساس همین ظرفیت‌ها ایجاد شده است (جدول ۱). منظر سبز شهری در شهرهای دزفول، شوش و شوشتر به گونه‌ای ایجاد شده است که متناسب با اقلیم این شهرها به‌صورت واحه‌ای نیازهای اقلیمی آنان از قبیل ایجاد سایه و تأمین آسایش اقلیمی را فراهم سازد. همچنین موقعیت این واحه‌ها در نقاط مکت شهری قرار دارد که در این نقاط تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های روزمره ساکنان شکل می‌گیرد، بنابراین، منظر سبز

تعارض منافع

نگارندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.



تصویر ۵. کاشت درخت در نقاط عطف شهری. عکس: زینب رضایی، ۱۴۰۳.

جدول ۱. تفاوت ویژگی‌های سبک منظر سبز بومی شهررودخانه‌های خوزستان با فضای سبز معاصر. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه‌های منظر سبز		استراتژی‌های مبتنی بر منظر		سبک فضای سبز شهری
رودخانه	درخت	مکان بابی	سازماندهی	واحه‌ای
- آب به‌عنوان عنصری مقدس - لبه رودخانه چندعملکردی در ارتباط با زندگی روزمره	- تک‌کاشت - چندعملکردی و شأن مقدس - درختان بومی (کنار و نخل)	نقاط عطف و مکت شهر	واحه‌ای	منظر سبز بومی
- آب به‌عنوان عنصری تزئینی - عملکرد تفریحی و تفرجی لبه رودخانه	- توده‌ای و ردیفی - عملکرد تفرجی و تزئینی - درختان غیربومی	نقاط ایزوله و محل عبور، مجاورت رودخانه	پهنه‌ای و خطی	فضای سبز معاصر

فهرست منابع

- Majidi, M., Mansouri, S. A., Sabernejad, J., & Barati, N. (2019). The role of landscape approach in improving satisfaction with the urban environment. *Bagh-e Nazar*, 16(76), 45-56. https://www.bagh-sj.com/article_93423.html
- Mansouri, S. (2005). An introduction to landscape architecture identification. *Bagh-e Nazar*, 1(2), 69-78. https://www.bagh-sj.com/article_1489.html
- Mansouri, S. A., & Javadi, Sh. (2019). *Three elements of Persian landscape; A study on the the essence of Persian architecture and urban space*. Nazari Research Center.
- Moazzeni Khorasgani, A., & Haghighatbin, M. (2023). Exploring functional features of landscape approach in regeneration of historical fabrics (Case study: Takht-e Gonbad Neighborhood, Isfahan). *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 15(65), 32-45. <https://doi.org/10.22034/manzar.2023.384644.2223>
- Noroozitalab, A. (2010). Hermeneutics and Urban Landscape. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 2(11), 18-21. https://www.manzar-sj.com/article_169.html?lang=en
- Saboonchi, P., Abarghouyi, H., & Motedayen, H. (2018). Green landscape networks: The role of articulation in the integrity of green space in landscapes of contemporary cities of Iran. *Bagh-e Nazar*, 15(62), 5-16. <https://doi.org/10.22034/bagh.2018.66280>
- Sabouri, S., & Javadi, S. (2022). Oak; a heritage, a culture. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 10(36), 25-34. <https://doi.org/10.22034/jaco.2022.342339.1244>
- داده‌های هواشناسی ایران. (بی.تا). سازمان هواشناسی ایران. بازیابی شده در ۱۴۰۳/۱۰/۳۰. <https://data.irimo.ir/>
- گزارش بارش و سدهای کشور. (۱۴۰۲). شرکت مدیریت منابع آب ایران. بازیابی شده در ۱۴۰۳/۱۰/۳۰. <https://data.wrm.ir/cs/Download/42/1644>
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). چیستی منظر شهری. منظر، ۲(۹)، ۳۰-۳۳. https://www.manzar-sj.com/article_405.html
- Abarghoei Fard, H. (2019). A contemplation on ritual landscape representations in Kerman Province. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 7(24), 13-20. <https://doi.org/10.22034/jaco.2019.89248>
- Atashinbar, M. (2009). The continuity of identity in urban landscape. *Bagh-e Nazar*, 6(12), 45-56. https://www.bagh-sj.com/article_32.html
- Dieulafoy, J. (1998). *En mission chez les immortels: journal des fouilles de Suse* (E. Farahvasgi, Trans.). University of Tehran. (Original work published 1991)
- Francis, R. A. (2012). Positioning urban rivers within urban ecology. *Urban Ecosystems*, 15, 285-291. <https://doi.org/10.1007/s11252-012-0227-6>
- Mahmoodi, M., Rafeian, M., Rafeian, M., & Shayan, S. (2013). Land use planning in the urban sensitive areas: Case study, Farahzad Valley Stream-Tehran. *Journal of Urban - Regional Studies and Research*, 4(16), 47-64. https://urs.ui.ac.ir/article_20037.html?lang=en

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

عبدی، بابک؛ رضایی، زینب؛ نصرتیان، ریحانه و مهرآبادی، محمد. (۱۴۰۳). واکاوی نقش مکان‌ساز منظر سبز بومی در توسعه منظر شهری (مطالعه موردی: شهرودخانه‌های دزفول، شوش و شوشتر). *مکتب احیاء*، ۲(۴)، ۳۰-۳۷.

DOI: <https://doi.org/10.22034/2.4.30>
URL: <https://jors-sj.com/article-1-53-fa.html>

